

«زن و مطالعات خانواده»

سال هفدهم - شماره شصت و دوم، زمستان ۱۴۰۲

ص: ۶۵-۷۶

پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و  
پریشانی روان‌شناختی در زوجین

سمانه قدمپور<sup>۱</sup>

ماندانا شادی<sup>۲</sup>

آمنه راغب‌زاده<sup>۳</sup>

\*امید امانی<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و پریشانی روان‌شناختی در زوجین انجام شد. طرح کلی پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی زوجین ساکن شهر شیراز در سال ۱۴۰۱ بود که تعداد ۲۰۱ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های مقیاس طلاق عاطفی گاتمن، مقیاس عشق استرنبرگ، پرسشنامه هوش هیجانی سیبریا شرینگ، پرسشنامه پریشانی روان‌شناختی کسلر به شکل برخط گردآوری شدند و به روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه بوسیله‌ی نرم‌افزار SPSS27 تحلیل شدند. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد رابطه معناداری بین تمامی متغیرهای پیش‌بین با متغیر ملاک طلاق عاطفی وجود دارد و جهت رابطه بین پریشانی روان‌شناختی با طلاق عاطفی مثبت و جهت رابطه تمامی سبک‌های عشق‌ورزی و هوش عاطفی و مؤلفه‌های آن با طلاق عاطفی منفی بود. نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و پریشانی روان‌شناختی توانسته‌اند ۶۴ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین کنند و مؤلفه‌های هوش

۱- دانشجوی دکتری روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.  
samaneh\_ghadampour@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران  
Mandana.shadi@yahoo.com

۳- کارشناسی ارشد حقوق خانواده، گروه حقوق خانواده، دانشگاه مفید، قم، ایران  
a.ragheb.62@gmail.com

۴- دکتری روان‌شناسی بالینی، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
o\_amanikamiabad@sbu.ac.ir

عاطفی توانسته‌اند ۴۸ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین کنند. بر این اساس می‌توان گفت سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و پریشانی روان‌شناختی مؤلفه‌های مهمی در ایجاد یک رابطه‌ی با کیفیت زوجی است که می‌توانند در مسیر کاهش طلاق عاطفی زوجین اثرگذار باشند و لذا آموزش‌ها و اقدامات لازم در این راستا می‌توانند مؤثر واقع شوند.

### واژگان کلیدی

پریشانی روان‌شناختی، سبک‌های عشق‌ورزی، طلاق عاطفی، هوش عاطفی

### مقدمه

طلاق<sup>۱</sup> یک فرایند انتقالی پراسترس در زندگی زوجین است که بر تمام جنبه‌های زندگی آن‌ها اثرگذار است (دامو و سنسی، ۲۰۲۱). میزان طلاق در چند دهه‌ی گذشته در شرق و غرب به‌طور چشمگیری افزایش یافته‌است (چن و ییپ، ۲۰۱۸). طلاق عاطفی<sup>۲</sup> فرآیندی است که طی آن روابط عاطفی زوجین از بین می‌رود، زوجین از گفت‌وگوی متقابل با هم اجتناب می‌کنند، سازگاری روانی و محبت آن‌ها از بین می‌رود و این در حالی است که سایر حقوق زناشویی از جمله مسکن، بیمه و ... حفظ می‌شود (جروان و آفرجات<sup>۳</sup>؛ ۲۰۲۰). در طلاق عاطفی ممکن است بین زن و شوهر مشاجره وجود نداشته باشد اما ارتباط واقعی آن‌ها قبلاً از بین رفته‌است و چنین فرآیندی باعث کاهش صمیمیت، کاهش رضایت زناشویی و در نهایت منجر به طلاق می‌شود (جمالنیک و همکاران، ۲۰۲۰).

دوست داشتن و دوست داشته شدن موضوعی است که در نهاد آدمی ریشه دارد (امانی و تیاری، ۲۰۱۹). عشق و عشق‌ورزی جنبه‌های مهمی از زندگی هستند که نقش مهمی در ارتباطات میان‌فردی دارند (باتس، تری و پوپل<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶) و به نظر پژوهشگران یکی از عوامل اثرگذار بر طلاق عاطفی، سبک‌های عشق‌ورزی<sup>۵</sup> زوجین است. عشق، مفهومی انتزاعی و عاملی مهم در شروع و ادامه‌ی رابطه‌ی زناشویی است که می‌تواند تنش‌های بین زوجین را کمرنگ کرده و سرپوشی بر خودمحوری‌ها باشد (غائبی پناه و کشاورزی ارشدی، ۱۳۹۹). سبک‌های عشق به نحوه تعریف مردم از عشق یا عشق‌ورزی اشاره دارد که با آن سبک، افراد عشق خود را به شریک زندگی‌شان نشان می‌دهند. در زمینه هیجان عشق چندین نظریه وجود دارد که یکی از آنها نظریه مثلثی عشق استرنبرگ (۱۹۸۶) است. به نظر استرنبرگ عشق یک حالت روان‌شناختی است که دارای سه بعد صمیمیت (بعد عاطفی و هیجانی عشق)؛ شور و شوق (موتور محرکه عشق غیر از احساسات جنسی که کاملاً در کلمه هوس مستتر است) و تعهد (نیت فرد برای تداوم رابطه) است و از نظر

۱ - Divorce

۲- Emotional Divorce

۳ - Jarwan & frehat

۴ - Bates, Terry & Popple

۵ - Lovemaking styles

او کسی عاشق است که هر سه مؤلفه عشق را به اندازه کافی در وجودش پرورش دهد. استرنبرگ (۱۹۸۶) بر اساس ضعیف و قوی بودن سه مؤلفه‌ی اساسی در عشق، ۸ نوع سبک عشق را مطرح می‌کند که شامل ۱. فقدان عشق زمانی که هر سه مؤلفه عشق ضعیف باشد؛ ۲. دوست داشتن زمانی که فقط عامل صمیمیت قوی است و دو عامل دیگر یا وجود ندارند و یا ضعیف هستند؛ ۳. شیفتگی یا دل‌باختگی که در این نوع عشق فقط شور و اشتیاق حاکم است و دو مؤلفه دیگر خیلی ضعیف هستند؛ ۴. عشق پوچ که در این نوع عشق فقط مؤلفه تصمیم و تعهد وجود دارد؛ ۵. عشق رمانتیک در واقع ترکیبی از صمیمیت و شور و شوق است؛ ۶. عشق رفاقتی که فقط دو مؤلفه صمیمیت و تعهد وجود دارد؛ ۷. عشق ابلهانه که شور و شوق به همراه تعهد در آن وجود دارد؛ ۸. عشق کامل یا آرمانی که در این نوع عشق ترکیبی از هر سه مؤلفه وجود دارد. هندریک و هندریک هم شش سبک عشق‌ورزی را مطرح می‌کنند که شامل عشق احساساتی، عشق بازیگرانه، عشق منطقی، عشق دوستانه، عشق افراطی و عشق ایثارگرانه می‌باشد. در همین راستا نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سبک‌های عشق‌ورزی بر روابط زوجین و رضایت از زندگی زناشویی مؤثر است (رفیعی، ۲۰۱۹؛ حسینی، ۲۰۱۷؛ لاورنس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶).

انسانها موجوداتی احساسی هستند و هوش هیجانی نقش مهمی در ابعاد مختلف زندگی آنها دارد. هوش هیجانی<sup>۲</sup> یک مهارت اجتماعی مهم است (سان و همکاران، ۲۰۱۹) که به توانایی درک، تشخیص، بیان، استفاده و کنترل احساسات خود و دیگران اشاره دارد (متیوز و همکاران، ۲۰۱۷). با کمک هوش هیجانی فرد از اطلاعات و استدلال‌های عاطفی برای هدایت رفتار و افکار خود استفاده می‌کند (رحمانیان، ۲۰۲۱). تحقیقات نشان می‌دهد که هوش هیجانی می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر حوزه‌های مختلف زندگی مثل رشد حرفه‌ای، شخصیت، انگیزه، روابط با خانواده و زندگی زناشویی داشته باشد (پریتمانی<sup>۳</sup>، ۲۰۲۱؛ بتول و خالد، ۲۰۰۹). در واقع هوش هیجانی بالا منجر به مدیریت بهتر اختلافات، تعارض کمتر در زوجها و رضایت بیشتر از رابطه می‌شود (پریتمانی، ۲۰۲۱؛ آدامسکی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳؛ استوراسکی<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۱؛ بتول و خالد<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). با توجه به اینکه افراد با هوش هیجانی بالاتر ظرفیت تنظیم بهتر واکنش‌های عاطفی خود را دارند، بنابراین می‌توان پیش‌بینی کرد آنها توانایی مدیریت و حل اختلافات خود را به روشی مؤثرتر دارند که این ظرفیت به نوبه‌ی خود ممکن است رضایت بالاتری را در رابطه پیش‌بینی کند (حاجی حسنی و سیم<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹). نتایج پژوهش (پریتمانی، ۲۰۲۱) نشان داد بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی رابطه‌ی مثبتی وجود دارد و با افزایش هوش هیجانی زوجین رضایت بیشتری از زندگی مشترک خواهند داشت.

۱ - Lawrence

۲- Emotional Intelligence

۳ -pritamani

۴ - Adameczyk

۵ -Storasky

۶-Batuol & khaled

۷- Hajihassani & Sim

مطابق با یافته‌های والتینا، چینیره و آزوجی<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) هوش هیجانی باعث زندگی شادتر و ازدواج موفق‌تر می‌شود.

مؤلفه‌ی دیگری که می‌تواند در کیفیت تعاملات نقش داشته باشد پریشانی روان‌شناختی<sup>۲</sup> است. پریشانی روان‌شناختی حالتی از رنج عاطفی همراه با علایمی مثل افسردگی و اضطراب است (عمری<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۲۲) که باعث برانگیختن احساسات فیزیولوژیکی و هیجانی، خشونت، خصومت و کاهش صمیمیت در روابط بین فردی می‌شود. در واقع پریشانی روان‌شناختی منجر به درخواست‌های زیاد و غیر معمول از افراد و ایجاد ناراحتی روانی می‌شود (کارانی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۲۲)؛ لذا افسردگی و سایر شاخص‌های پریشانی روان‌شناختی عوامل خطر بالقوه‌ای برای تعاملات عاشقانه‌ی زوجین و یا والدین و فرزندان می‌باشند (ساتون<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷)؛ چرا که پریشانی روان‌شناختی به عنوان یک استرسور ارتباط قوی با افزایش تعاملات منفی و کاهش تعاملات مثبت دارد (شافر<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۹). در همین راستا نتایج پژوهش ساتون و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد پریشانی روان‌شناختی در مردان و زنان تأثیر منفی بر تعاملات مثبت زوجین دارد. در پژوهش کارانی و همکاران (۲۰۲۲) از بین هفت مؤلفه‌ی مرتبط با تعادل کار و زندگی فقط ۳ مؤلفه با پریشانی روان‌شناختی ارتباط داشتند که یکی از آنها رضایت از زندگی بود. نتایج پژوهش فردوسی و قنبری (۱۳۹۹) نشان داد که بین بلوغ عاطفی و پریشانی روان‌شناختی با طلاق عاطفی دانشجویان رابطه وجود دارد.

طلاق یک تصمیم مهم و انتخابی دشوار برای افراد است و طلاق عاطفی یکی از مهم‌ترین عوامل از هم‌گسستن ساختار خانواده است. با توجه به اهمیت تعاملات مثبت در خانواده و اثراتی که طلاق بر زوجین، فرزندان، جامعه و ساختار اقتصادی دارد؛ طلاق عاطفی پدیده‌ای قابل توجه می‌باشد و شناخت عوامل مؤثر و پیش‌بینی‌کننده‌ی طلاق عاطفی ضروری به نظر می‌رسد.

با توجه به یافته‌های پژوهشی سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و عدم پریشانی‌های روان‌شناختی پیش‌بینی‌کننده‌های مهمی در کیفیت رابطه‌ی زناشویی هستند؛ چرا که وجود مشکلات روانی، عدم برخی مهارت‌ها و نبود صمیمیت و تعهد در رابطه در کنار باورهای منفی جامعه و نگرانی زوجین از تنهایی یا مشکلات اقتصادی بعد از طلاق منجر به ادامه‌ی زندگی در یک وضعیت نامطلوب می‌شود و آن‌ها را در چرخه‌ی تعارضات زناشویی، روابط فرازناشویی و طلاق عاطفی قرار می‌دهد و آموزش‌های لازم در زمینه‌ی تغییر نگرش سبک‌های عشق‌ورزی، تقویت هوش هیجانی و کاهش پریشانی‌های روان‌شناختی می‌تواند

۱ - Valentina, Chinyere & Azuji

۲ - psychological distress

۳ - Omari

۴ - Karani

۵ - Sutton

۶ - Shafer, Fielding & Holmes

منجر به رضایت از زندگی و پایداری رابطه‌ی زوجین شود. لذا با توجه به این که تاکنون پژوهشی در رابطه با بررسی نقش مؤلفه‌های سبک‌های عشق‌ورزی، هوش هیجانی و پریشانی روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین انجام نگرفته است، در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال هستیم که آیا "طلاق عاطفی از طریق مؤلفه‌های سبک عشق‌ورزی، هوش هیجانی و پریشانی روان‌شناختی قابل پیش‌بینی است؟"

### ابزار و روش

طرح کلی پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی زوجین ساکن شهر شیراز در سال ۱۴۰۱ است که تعداد ۲۰۱ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. از آنجایی که زمان اجرای پژوهش در دوران شیوع بیماری کووید-۱۹ بود و امکان اجرای مداخله‌ی پرستارانه‌ها وجود نداشت برای اجرای پرسشنامه‌ها از روش آنلاین استفاده شد. بدین صورت که پرسشنامه‌ها به صورت آنلاین طراحی گردید و لینک پرسشنامه در گروه‌های مجازی در دسترس افراد قرار گرفت. رضایت آگاهانه، گذشت حداقل ۵ سال از شروع زندگی مشترک به دلیل اینکه زوجین به حداقل میزانی از ثبات در زندگی زناشویی رسیده باشند، عدم ابتلا به بیماری‌های مزمن روان‌شناختی و داشتن حداقل تحصیلات دیپلم جهت درک سوالات و توانایی پاسخگویی مناسب به آنها از ملاک‌های ورود به پژوهش و وضعیت مطلقه بودن یا ناقص بودن پرسشنامه از ملاک‌های خروج از پژوهش بود. برای افراد نمونه قبل از پاسخ‌گویی به ابزارها، اهداف، اهمیت و ضرورت پژوهش بیان و به آنان درباره رعایت نکات اخلاقی از جمله رازداری، محرمانه ماندن اطلاعات شخصی و غیره اطمینان خاطر داده شد. داده‌ها به روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه بوسیله‌ی نرم‌افزار SPSS27 تحلیل شدند. ابزارهای مورد استفاده در پژوهش عبارت بودند از:

### مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (GEDS)

این پرسشنامه در ۲۴ گویه توسط گاتمن (۱۹۹۵) به شکل دو گزینه‌ای به صورت بلی (۱) یا خیر (۰) تنظیم شده است. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت به عبارات، حداقل نمره فرد ۰ و حداکثر ۲۴ است؛ بدین معنی که در نمره ۰ تا ۸ احتمال جدایی عاطفی در زندگی فرد ضعیف است و نمره ۱۶ تا ۲۴ به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در آن مشهود است. گاتمن (۱۹۹۵) پایایی این پرسشنامه را با آلفای کرونباخ ۰/۸۹ گزارش کرد؛ در پژوهش موسوی و همکاران، پایایی کل این مقیاس، با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد. روایی صوری این پرسشنامه با نظر متخصصان تأیید شد و برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس استفاده شد و مقادیر اشتراک و بار عاملی سوالات پرسشنامه نشان داد که بار عاملی همه سوالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار دارند که بار عاملی قابل قبولی است (موسوی و رضازاده، ۲۰۱۵).

### مقیاس عشق استرنبرگ (SLS)

این مقیاس توسط استرنبرگ (۱۹۸۶) تهیه شد و دارای ۴۵ سؤال است که سه سبک عشق صمیمانه، شهبوانی و متعهدانه را می‌سنجد. ۱۵ عبارت اول (۱-۱۵) عنصر صمیمیت؛ ۱۵ عبارت میانی (۱۱-۳۰) عنصر شهوت و ۱۵ عبارت آخر (۳۱-۴۵) عنصر تعهد را می‌سنجد. در پاسخ به سوالات از مقیاس ۵ درجه‌ای از (۵ = خیلی زیاد تا ۱ = خیلی کم) استفاده شده است. پس از مشخص شدن اینکه فرد در هر زیرمقیاس نمره ضعیف یا قوی به دست آورده است، سبک عاشقانه او مشخص می‌شود. حداقل و حداکثر نمره کل به دست آمده از این پرسشنامه به ترتیب ۴۵ و ۲۲۵ و حداقل و حداکثر نمره به دست آمده از هر کدام از ابعاد این پرسشنامه به ترتیب ۱۵ و ۷۵ است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده استفاده بیشتر فرد از سبک عشق‌ورزی مورد نظر است. آلفای کرونباخ مقیاس در نسخه اصلی ۰/۹۰، گزارش شده و برای محاسبه روایی آن از روش تحلیل همبستگی متقابل استفاده شده است. نتایج برای صمیمیت و تعهد ۰/۷۳، و برای تعهد و شهوت ۰/۷۱، گزارش شد. در نمونه ایرانی نیز محمودی، گلشنی و نوروزیان (۱۳۹۲) آلفای کرونباخ برای صمیمیت ۰/۹۳، شهوت ۰/۹۵، و برای تعهد ۰/۹۶، و آلفای کل پرسشنامه را ۰/۹۵، گزارش کردند.

### پرسشنامه هوش هیجانی سیبیریا شرینگ

پرسشنامه هوش هیجانی سیبیریا شرینگ (۱۹۹۶) که دارای ۵ زیرمقیاس است؛ خودآنگیزی (۷ سؤال)، خودآگاهی (۸ سؤال)، خودکنترلی (۷ سؤال)، هوشیاری اجتماعی یا همدلی (۶ سؤال) و مهارت اجتماعی (۵ سؤال) و در کل دارای ۳۳ سؤال می‌باشد. هر آزمودنی ۶ نمره جداگانه دریافت می‌کند که ۵ نمره آن مربوط به هر کدام از مؤلفه‌ها و یک نمره کل هوش هیجانی می‌باشد. پاسخ‌ها به صورت ۵ درجه‌ای است. این پرسشنامه توسط منصوری در سال ۱۳۸۰ بر روی دانشجویان دانشگاه‌های تهران بررسی و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۶، به دست آمد.

### پرسشنامه پریشانی روان‌شناختی کسلر

این پرسشنامه توسط کسلر، اندروز، کاپل و همکاران (۲۰۰۲) به صورت ۱۰ سوالی تدوین شد و ویژه‌ی شناسایی اختلالات روانی در جمعیت عمومی است و وضعیت روانی را طی یک ماه اخیر بررسی می‌کند. پاسخ سوالات این دو فرم به صورت لیکرتی از "هیچ وقت" تا همیشه است و از ۰ تا ۴ نمره‌گذاری می‌شود و حداکثر نمره در فرم ۱۰ سوالی برابر ۴۰ و حداقل نمره ۰ می‌باشد که اختلال روان‌شناختی خاصی را هدف قرار نمی‌دهد، اما در مجموع سطح اضطراب و افسردگی را که فرد در چند هفته اخیر تجربه کرده، مشخص می‌نماید. ناتالی و برنشتاین ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه را بالاتر از ۰/۷۰، گزارش کردند. در پژوهش یعقوبی (۱۳۹۴) روایی محتوایی و صوری و ملاکی این پرسشنامه مناسب ارزیابی شده است و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش یعقوبی برای این پرسشنامه بالای ۰/۷ برآورد شد.

## یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ به توصیف متغیرهای اصلی با استفاده از آماره‌های میانگین و انحراف استاندارد پرداخته شد. نرمال بودن توزیع متغیرها با آزمون‌های کجی و کشیدگی ارزیابی شد. در مورد کجی و کشیدگی، چنانچه مقادیر این آماره‌ها بین ۲- و ۲+ باشد نشان‌دهنده نرمال بودن توزیع تک متغیره است (George & Mallery, 2010).

جدول ۱. توصیف متغیرهای اصلی و بررسی نرمال بودن شکل توزیع متغیرها

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
سبک صمیمانه	۸۸/۹۵	۲۴/۸۱	-۰/۵۷۵	-۰/۵۱۰
سبک شهوانی	۸۳/۹۲	۳۰/۹۷	-۰/۵۴۳	-۰/۷۱۷
سبک متعهدانه	۱۰۱/۱۶	۳۲/۰۷	-۱/۰۸	۰/۲۹۳
خودانگیزی	۲۰/۵۸	۵/۲۵	-۰/۰۹۴	-۰/۳۶۴
خودآگاهی	۳۴/۹۴	۴/۳۳	-۰/۴۹۳	۰/۶۴۹
خودکنترلی	۲۲/۴۱	۵/۱۹	-۰/۳۶۲	-۰/۵۵۱
همدلی	۱۷/۳۷	۳/۶۳	-۰/۱۳۰	۰/۴۱۷
مهارت اجتماعی	۱۶/۶۶	۴/۲۶	-۰/۳۴۹	-۰/۳۳۹
هوش عاطفی	۱۰۱/۹۷	۱۹/۳۰	-۰/۳۱۸	-۰/۰۸۴
پیشانی روان‌شناختی	۲۵/۰۷	۸/۳۸	۰/۶۴۵	۰/۱۰۶
طلاق عاطفی	۴۰/۲۸	۷/۹۸	-۰/۷۴۷	-۰/۸۵۱

بررسی میانگین‌ها نشان داد در بین سبک‌های عشق‌ورزی بالاترین میانگین را سبک متعهدانه با میانگین ۱۰۱/۱۶ و کمترین میانگین را سبک شهوانی با میانگین ۸۳/۹۲ داشت. میانگین کل هوش عاطفی برابر با ۱۰۱/۹۷، میانگین پیشانی روان‌شناختی برابر با ۲۵/۰۷ و میانگین طلاق عاطفی برابر با ۴۰/۲۸ بدست آمد. بررسی مقادیر کجی و کشیدگی نشان داد با توجه به این که مقادیر کجی و کشیدگی تمامی متغیرها در دامنه ۲+ تا ۲- است می‌توان نتیجه گرفت تمامی متغیرها از توزیع نرمال یا نزدیک به نرمال برخوردارند و پیش‌فرض آزمون‌های پارامتریک همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی تایید شد. در جدول ۲ نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای پیش‌بین (سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و مؤلفه‌های آن و پیشانی روان‌شناختی) با متغیر ملاک طلاق عاطفی آمده‌است.

جدول ۲. همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین با طلاق عاطفی

متغیرها	ضریب همبستگی	مقدار p
سبک عشق‌ورزی صمیمانه	-۰/۷۳	<۰/۰۰۱





۰/۳۳۵	۴/۲۶	۰/۶۴	۷/۳۸**	۰/۴۳**	۰/۰۳۱	۰/۱۳۸	سبک صمیمانه	
۰/۲۵۲	۳/۹۷			۰/۱۳*	۰/۰۲۵	۰/۰۳۴	سبک شهوانی	طلاق
۰/۲۰۵	۴/۸۸			۰/۰۰۸	۰/۰۲۴	۰/۰۲۱	سبک متعهدانه	عاطفی
۰/۴۵۶	۲/۱۹			۰/۳۱**	۰/۰۲۶	۰/۱۳۰	هوش عاطفی	
۰/۴۶۴	۲/۱۶			۰/۱۴*	۰/۰۶۰	۰/۱۳۱	پیشانی روان شناختی	

توجه: \* =  $p \leq 0.05$  و \*\* =  $p \leq 0.01$

نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و پیشانی روان‌شناختی توانسته‌اند ۶۴ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین کنند. مقادیر آزمون F در مدل معنادار بود که مدل رگرسیونی از برازش مناسبی برخوردار بود و سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و پیشانی روان‌شناختی از توان پیش‌بینی طلاق عاطفی برخوردار بودند ( $p < 0.05$ ). همچنین مقادیر شاخص عامل تورم واریانس (VIF) و آماره تحمل (Tolerance) نشان داد مشکل همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین وجود ندارد. تمامی مقادیر VIF کمتر از ۵ بود که حاکی از عدم مشکل جدی در همخطی می‌باشد. بررسی ضرایب تأثیر نشان داد که سبک عشق‌ورزی صمیمانه، سبک عشق‌ورزی شهوانی، هوش عاطفی و پیشانی روان‌شناختی توانستند طلاق عاطفی را پیش‌بینی کنند ( $p < 0.05$ ), سبک متعهدانه تأثیر معناداری بر طلاق عاطفی نداشت ( $p > 0.05$ ). بررسی ضرایب استاندارد رگرسیونی نشان داد سبک عشق‌ورزی صمیمانه با ضریب  $-0.43$  و هوش عاطفی با ضریب  $-0.31$  بیشترین تأثیر را بر طلاق عاطفی داشتند.

نتایج آزمون رگرسیون چندگانه با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های هوش عاطفی در جدول ۴ آمده‌است. روش تخمین ضرایب، روش همزمان (Enter) است.

جدول ۴. آزمون رگرسیون با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس مؤلفه‌های هوش عاطفی

متغیر وابسته	متغیر پیش‌بین	ضریب غیر	خطای استاندارد	ضریب استاندارد	مقدار F	R <sup>2</sup>	شاخص‌های هم‌اماره VIF
طلاق	خودآگاهی	۰/۳۲۸	۰/۱۴۵	۰/۱۴۱	۳/۹۹**	۰/۴۸	۳/۲۲
عاطفی	خودکنترلی	۰/۰۶۶	۰/۱۴۷	۰/۱۴۱	۵	۰/۴۸	۳/۲۲
	همدلی	۰/۱۵۳	۰/۱۴۶	۰/۱۴۱			
	مهارت اجتماعی	۰/۳۱۸	۰/۱۶۵	۰/۱۴۱			

نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که مؤلفه‌های هوش عاطفی توانسته‌اند ۴۸ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین کنند. مقادیر آزمون F در مدل معنادار بود و مدل رگرسیونی از برازش مناسبی برخوردار بود و مؤلفه‌های هوش عاطفی از توان پیش‌بینی طلاق عاطفی برخوردار بودند ( $p < 0.05$ ). همچنین مقادیر شاخص‌های هم خطی نشان داد که مشکل همخطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین وجود نداشت. بررسی ضرایب تأثیر نشان داد که سه مؤلفه‌ی خودانگیزی، خودآگاهی و مهارت اجتماعی توانستند هوش عاطفی را پیش‌بینی کنند ( $p < 0.05$ )، اما مؤلفه‌های خودکنترلی و همدلی تأثیر معناداری بر طلاق عاطفی نداشتند. میزان تأثیر مؤلفه‌ی خودانگیزی بر متغیر ملاک ( $-0.41$ )، بیشتر از سایر مؤلفه‌های هوش عاطفی بود.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و پریشانی روان‌شناختی در زوجین انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد بین انواع سبک‌های عشق‌ورزی و طلاق عاطفی رابطه‌ی منفی وجود دارد و از سه سبک متعهدانه، صمیمانه و شهوانی، سبک عشق‌ورزی صمیمانه بالاترین همبستگی را با میزان طلاق عاطفی دارد و نتایج آزمون رگرسیون هم نشان داد که سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و پریشانی روان‌شناختی توانسته‌اند ۶۴ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین و مؤلفه‌های هوش عاطفی توانسته‌اند ۴۸ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین پیش‌بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک‌های عشق‌ورزی نتیجه‌ی فوق همسو با یافته‌های (جروان و آلفرحات، ۲۰۲۰؛ صادق‌زاده، خرمایی و اسفندیاری، ۲۰۲۰؛ رافعی، ۲۰۱۹؛ حسینی، ۲۰۱۷؛ لاورنس و همکاران، ۲۰۱۶) که نشان دادند عشق یک عامل مهم و محکم در تداوم و رضایت از یک رابطه است، می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان به نقش عشق، صمیمیت و تعهد در روابط زوجی اشاره کرد که هر چه میزان صمیمیت بین زوجین بالا باشد برقراری روابط آن‌ها به شکل مطلوب باعث ابراز مؤثرتر نیازهای خود در رابطه می‌شود و در نتیجه در مواجهه با مشکلات و تغییرات رابطه‌ی خود، توانایی حل مسئله‌ی بهتری خواهند داشت که همین چرخه منجر به تجربه‌ی رضایت زناشویی بالاتر خواهد شد (جروان و آلفرحات ۲۰۲۰)؛ علاوه بر این تعهد بالا در رابطه موجب توجه زن و مرد به خواسته‌های یکدیگر و انعطاف‌پذیری مؤثر و مناسب در ارضای نیازها و خواسته‌های دوطرف می‌شود (صادق‌زاده، خرمایی و اسفندیاری؛ ۲۰۲۰). یکی دیگر از یافته‌های پژوهش ارتباط بالای هوش هیجانی با طلاق عاطفی بود که این نتیجه همسو با یافته‌های (پریتمانی، ۲۰۲۱؛ والتینا و همکاران، ۲۰۲۱؛ حاجی حسنی و سیم، ۲۰۱۹؛ گانت و همکاران، ۲۰۱۳؛ فوران و همکاران، ۲۰۱۲؛ استوراسکی و همکاران، ۲۰۱۱؛ بتول و خالد، ۲۰۰۹) می‌باشد که نشان دادند هوش هیجانی بالا منجر به مدیریت بهتر اختلافات، تعارض کمتر در زوجها و رضایت بیشتر از رابطه می‌شود. در تبیین این یافته مطابق با نظریه‌ی هوش هیجانی گلمن، توانایی ابراز و استفاده‌ی درست هیجان خود، درک هیجان دیگران و مدیریت هیجانات منجر به رفتارهای سازگارانه می‌شود؛ لذا افرادی که هوش عاطفی بالایی دارند توانایی شناسایی، ابراز، درک و پیش‌بینی عواطف و هیجانات خود و همسرشان را دارند

و این مؤلفه به توانایی و کنترل تکانه‌ی آنها و ایجاد روابط مطلوب کمک می‌کند (روسن و کرانزler؛ ۲۰۰۹). در نتیجه در این فضای ارتباطی مناسب، زوجین هنگام مشکل و تعارض از روش‌های مؤثر و کارآمدتری استفاده می‌کنند و به دنبال آن سطح کیفیت و رضایت از زندگی بالاتر و طلاق عاطفی کمتری را تجربه خواهند کرد.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش ارتباط طلاق عاطفی و پریشانی روان‌شناختی بود که این یافته با نتایج پژوهش کارانی و همکاران، ۲۰۲۲؛ شافر و همکاران، ۲۰۱۹؛ ساتون و همکاران، ۲۰۱۷؛ و فردوسی و قبری ۱۳۹۹؛ که نشان دادند پریشانی روان‌شناختی یک استرسور قوی است که منجر به تعاملات منفی و کاهش رضایت زوجین می‌شود؛ همسو می‌باشد.

در واقع می‌توان گفت پریشانی روان‌شناختی منجر به درخواست‌های زیاد و غیر معمول از افراد و ایجاد ناراحتی روانی می‌شود (کارانی و همکاران، ۲۰۲۲) و یک عامل خطر بالقوه برای تعاملات عاشقانه‌ی زوجین و یا والدین و فرزندان می‌باشد (ساتون و همکاران، ۲۰۱۷). در تبیین این یافته می‌توان گفت عواطف و هیجانات زوجین از جمله متغیرهایی است که می‌تواند با وضعیت زناشویی و گرایش آنان به طلاق همراه باشد؛ چرا که عدم امنیت عاطفی یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم در گرایش به روابط خارج از حیطه زناشویی می‌باشد (حکیمی تهرانی، فاتحی زاده و باغبان؛ ۲۰۱۳) و مطابق با نظر کنرال (۲۰۰۷) که مدل امنیت هیجانی را ارائه می‌کند، زیربنای اکثر تعارضات زناشویی رنجش یکی از زوجین است. در واقع اهمیت هیجانات به عنوان عامل اصلی مشکلات زناشویی منجر به انقلاب در رویکردهای زوج درمانی و شکل‌گیری زوج درمانی هیجان مدار شد؛ چرا که مطابق با نظر جانسون (۲۰۰۴) هیجانات و عواطف منفی نقش مهمی در تعاملات منفی زوجین دارند و تغییر هیجانات یک عامل مهم در کیفیت روابط زوجین است. لذا با توجه به مطالب ذکر شده توانایی تنظیم هیجانات در رابطه و تحمل پریشانی موجب تسکین هیجانات و تحمل بحران‌ها در شرایط سخت زندگی و ایجاد مقابله‌های بهتر با مشکلات می‌شود؛ در مقابل زوجین دارای پریشانی روان‌شناختی و هیجانی نمی‌توانند هیجان خود را به موقع در موقعیت‌های آسیب‌زای زندگی نشان دهند و به حل مشکلات زندگی کمک کنند که این شرایط منجر به شکست در ارتباطات زناشویی می‌شود.

در مجموع یافته‌های پژوهش شواهد تجربی مناسبی جهت تبیین سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و پریشانی روان‌شناختی در پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین فراهم می‌آورد. بر این اساس می‌توان گفت سبک‌های عشق‌ورزی، هوش عاطفی و پریشانی روان‌شناختی مؤلفه‌های مهمی در ایجاد یک رابطه‌ی با کیفیت زوجی است که می‌توانند در مسیر کاهش طلاق عاطفی زوجین اثرگذار باشند و لذا آموزش‌ها و اقدامات لازم در این راستا می‌تواند مؤثر واقع شوند. این پژوهش همانند سایر پژوهش‌ها از محدودیت‌هایی برخوردار بود از جمله اینکه پژوهش فقط روی زوجین شهر شیراز انجام شد، لذا تعمیم نتایج به همه‌ی زوجین باید با احتیاط انجام شود. از دیگر محدودیت‌های پژوهش انتشار لینک پرسشنامه بصورت مجازی و انتخاب نمونه به شکل دردسترس بود. محدودیت تبیین علی مطالعات همبستگی نیز از جمله

محدودیت‌های این تحقیق است. لذا با توجه به محدودیت‌های موجود، جهت روشن شدن ابعاد بیشتر پژوهش پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های آینده در سایر شهرهای کشور و فرهنگ‌های مختلف، با حجم نمونه‌های بالاتر و استفاده از سایر روش‌های تحقیق کمی و کیفی تکرار شود.

#### سپاسگزاری

نویسندگان این مقاله از کلیه‌ی زوجین شهر شیراز که در تکمیل پرسشنامه‌ها و اجرای پژوهش همکاری نمودند کمال تقدیر و تشکر را دارند.

#### تعارض منافع

با توجه به مشارکت کلیه‌ی نویسندگان در مراحل مختلف جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل داده‌ها و نگارش، مقاله‌ی حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع می‌باشد.

#### References

- Amani, M., & Tayari, S. (2019). The relationship of maladaptive schemas with women's marital Intimacy: The mediating role of love styles. *International Journal of Sociology of the Family*, 45(2), 43-54.
- Bates, C., Terry, L., & Popple, K. (2016). Importance of Romantic Love to People with Learning Disabilities. *British Journal of Learning Disabilities*, 45(1), 64-72.
- Batool, S. S., & Khalid, R. (2009). Role of emotional intelligence in marital relationship. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 24(1/2), 43-62.
- Catherall, D. R. (2006). *Emotional safety: Viewing couples through the lens of affect*. Routledge.
- Chen, M., & Yip, P. (2018). Decomposing the crude divorce rate in five countries: Singapore, Taiwan, South Korea, the UK, and Australia. *Asian population studies*, 14(2), 137-152.
- Damo, D. D., & Cenci, C. M. B. (2021). Emotional Divorce: Similarities and Differences According to the Position Occupied. *Trends in Psychology*, 29(3), 505-518.
- Ferdowsi, A, H; Ghanbari, H. (2019). The relationship between emotional exhaustion and psychological distress with emotional divorce of Khorasan Higher Education Institute students. *Studies in Psychology and Educational Sciences*, (19) 4, 139-148.
- Foran, H. M., O'Leary, K. D., & Williams, M. C. (2012). Emotional abilities in couples: A construct validation study. *The American Journal of Family Therapy*, 40(3), 189-207.

- Ganth, D. B., Thiyagarajan, S., & Nigesh, K. (2013). Role of infertility, emotional intelligence and resilience on marital satisfaction among Indian couples. *International Journal of Applied Psychology*, 3(3), 31-37.
- George, D., & Mallery, M. (2010). *SPSS for Windows Step by Step: A Simple Guide and Reference*, 0/17 update (10a ed). Boston: Pearson.
- Ghaebi panah, M., Keshavarzi Arshadi, F. (2021). Relationship between lovemaking styles and cognitive distortions skills with emotional divorce in women. *Journal of Family Psychology*, 7(2), 47-60.
- Gottman, J.M. (1994). What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes. *Journal of Marriage and Family*, 56, 783.
- Hajihassani, M., & Sim, T. (2019). Marital satisfaction among girls with early marriage in Iran: Emotional intelligence and religious orientation. *International Journal of Adolescence and Youth*, 24(3), 297-306.
- Hakimi Tehrani, L., Fatehi Zadeh, M. Baghban, I. & Ahmadi, S. A. (2013). Effectiveness of emotional security training on marital conflicts and subjective well-being of married women. *Journal of Women and Society*. 3(3): 105-25. [Persian].
- Hendrick, C., & Hendrick, S. (1986). A theory and method of love. *Journal of personality and social psychology*, 50(2), 392.
- Hosseini, F., & Alavi Langeroodi, S.K. (2017). Role of Attachment Styles and Marital Satisfaction on Sexual Satisfaction through Mediation of Love among Married Psychology Students of Yazd Azad University. *Journal of Women Social and Psychological Studies*, 15(3), 165-188. [In Persian].
- Jamalnik, M., Falsafinejad, M. R., & Khodabakhshi-Koolae, A. (2020). Long-term marital satisfaction: Couples' narratives of the role of mate selection. *Journal of Client-centered Nursing Care*, 6(4), 267-76.
- Johnson, S. M. (2004). *Basic Principles Into Practice Series: The practice of emotionally focused couple therapy: Creating connection*. Brunner-Routledge, New York, NY.
- Jarwan, A. S., & Al-frehat, B. M. (2020). Emotional Divorce and Its Relationship with Psychological Hardiness. *International Journal of Education and Practice*, 8(1), 72-85.
- Rafiee, S., & Jomhory, F. (2019). The Relationship between Marital Betrayal and Love Styles with Couples' Sexual Satisfaction. *Sociology of Education Journal*, 11, 141-149. [In Persian].
- Karani, A., Deshpande, R., Jayswal, M., & Panda, R. (2022). Work-life balance and psychological distress: A structural equation modeling approach. *Human Systems Management*, 41(1), 1-15.

- Kessler, R. C., Andrews, G., Colpe, L. J., Hiripi, E., Mroczek, D. K., Normand, S. L., & Zaslavsky, A. M. (2002). Short screening scales to monitor population prevalences and trends in non-specific psychological distress. *Psychological medicine*, 32(6), 959-976.
- Lawrence, E. J., Shaw, P., Baker, D., Baron-Cohen, S., & David, A. S. (2016). The relationship love style and cummiunaction with marital commitment. *Psychological Medicine*, 34, 911-924.
- Mahmoudi, G, R. Golshani, F, Norouzian, M. (2013). Comparison of attachment styles and love styles in parents with mentally retarded children and parents with normal children. *Journal of Psychological Research*, (21)6, 66-78.
- Mansouri, B. (1382). Normation of Siberian Schering emotional intelligence test among master's students of public universities in Tehran. Master's thesis of Allameh Taba Tabai University, Tehran.
- Matthews, G., Zeidner, M., & Roberts, R. D. (2017). Emotional intelligence, health, and stress. *The Handbook of Stress and Health: A Guide to Research and Practice*, 312-326.
- Musavi F, Reza zadeh M. (2015). Studying the role of attitude to love in predicting emotional divorce in men and women in Qazvin. *Social Studies Women*, 12(3): 169-188. [In Persian].
- Omari, M., Zarrouq, B., Amaadour, L., Benbrahim, Z., El Asri, A., Mellas, N., & Halim, K. (2022). Psychological Distress, Coping Strategies, and Quality of Life in Breast Cancer Patients Under Neoadjuvant Therapy: Protocol of a Systematic Review. *Cancer Control*, 29.
- Pritamani, A. (2021). The Relationship Between Emotional Intelligence, Relationship Satisfaction And Anger. MASTER'S THESIS. University of Mumbai.
- Rafiee, S., & Jomhory, F. (2019). The Relationship between Marital Betrayal and Love Styles with Couples' Sexual Satisfaction. *Sociology of Education Journal*, 11, 141-149. [In Persian].
- Rahmani, N. (2020). *The Relationship Between Emotional Intelligence, Attachment Style, And Self-Esteem IN Only Child Families AND Two-Children Families*. MASTER'S THESIS. Near East University Graduate School OF Social Sciences General Psychology program.
- Rossen, E., & Kranzler, J. H. (2009). Incremental validity of the Mayer-Salovey-Caruso Emotional Intelligence Test Version 2.0 (MSCEIT) after controlling for personality and intelligence. *Journal of Research in Personality*, 43(1), 60-65.
- Sadeghzadeh, M., Khormaei, F., esfandyari, M. (2020). Exploring a Model for Explaining the Loneliness of Girl and Boy Students Based on the Dark

- Triad: Studying the mediating Role of Love Styles. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 10(1), 89-112.
- Shafer, K., Fielding, B., & Holmes, E. K. (2019). Depression, masculine norm adherence, and fathering behavior. *Journal of Family Issues*, 40(1), 48–84.
- Stolarski, M., Postek, S., & Śmieja, M. (2011). Emotional intelligence and conflict resolution strategies in romantic heterosexual couples. *Studia Psychologiczne*, 49(5), 65-76.
- Strenberg, J.R. (1986). a Triangular theory of Love. *Psychological Review*, 93(2), 119-135.
- Sun, J., Liu, Q., & Yu, S. (2019). Child neglect, psychological abuse and smartphone addiction among Chinese adolescents: The roles of emotional intelligence and coping style. *Computers in Human Behavior*, 90, 74-83.
- Sutton, T. E., Simons, L. G., Simons, R. L., & Cutrona, C. (2017). Psychological distress, couple interactions, and parenting: A dyadic analysis of African American couples. *Journal of Marriage and Family*, 79(3), 850–864.
- Valentina, E. A., Chinyere, E. E., & Azuji, I. M. (2021). Emotional Intelligence as Correlate of Marital Satisfaction of Married Teachers in Public Secondary Schools in Anambra State. *World Journal of Innovative Research*, 10(4), 122-127.
- Yaghubi, H. (2016). Psychometric properties of the 10-question version of the Kessler's Psychological Distress scale (k-10). *Journal of Applied psychology Research*, 6(4), 45-57.

## Predicting emotional divorce based on lovemaking styles, emotional intelligence and psychological distress in couples

*Samane Ghadampour*<sup>۱</sup>

*Mandana Shadi*<sup>۲</sup>

*Amane Ragheb Zade*<sup>۳</sup>

*\*Omid Amani*<sup>۴</sup>

### Abstract

The aim of this study was to predict emotional divorce based on the styles of lovemaking, emotional intelligence and psychological distress in couples. The design of the present study is descriptive correlational. The statistical population of the study included all couples living in Shiraz in 1401 that 201 people were selected through convenience sampling method. Data were collected online using Guttman's Emotional Divorce Research Questionnaire, Sternberg Love Psychology, Siberia Schering Emotional Intelligence Questionnaire, and Kessler Distress Questionnaire. The collected data were analyzed by Pearson correlation method and multiple linear regression analysis by SPSS27 software. The results of Pearson correlation test showed that there is a significant relationship between all predictor variables and the criterion of emotional divorce. The relationship between psychological distress and emotional divorce was positive and the relationship between love styles and emotional intelligence and its components was negative. The results of regression test showed that lovemaking, emotional intelligence and distress psychological styles explain 64% of the variance of emotional divorce, and emotional intelligence components were able to explain 48% of the variance of emotional divorce. Based on this, it can be concluded that the style of lovemaking, emotional intelligence and psychological distress are important components in creating a quality relationship between couples that can be effective in reducing the couple's emotional divorce and therefore, necessary trainings and actions in this field can be effective.

---

۱ - PhD student in psychology, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran

۲ - Master of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Islamic Azad University, Marvdasht, Iran

۳ - Master of Family Law, Department of Family Law, Mofid University, Qom, Iran

۴ - PhD in Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)  
o\_amanikamiabad@sbu.ac.ir



**Keywords:** Psychological distress, lovemaking styles, Emotional divorce, Emotional intelligence